

اکسیر التواریخ

تاریخ قاجاریہ از آغاز تا ۱۲۵۹ھ ق.

تألیف

علیق میرزا اعتقاد اسطلطہ

بہتمام

جمشیدیان فر



آرشیو ملی

۵۷۵

سرشناسه : اعتضادالسلطنه ، علی قلی بن فتحعلی ، ۱۲۳۴ - ۱۲۹۸ ق.
 عنوان و نام پدیدآورنده : اکسیرالتواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲۵۹ ق.) /
 تألیف علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه؛ به اهتمام جمشید کیانفر .
 مشخصات نشر : تهران : اساطیر ، ۱۳۹۵ .
 مشخصات ظاهری : ۶۹۶ ص (انتشارات اساطیر ۵۷۵)
 شابک : 3 - 177 - 331 - 964 - 978
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
 موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق .
 شناسه افزوده : کیانفر ، جمشید ، ۱۳۳۰ - ، مصحح .
 رده بندی کنگره : ۷ الف ۵۶ الف / ۱۳۱۱ DSR
 رده بندی دیویی : ۹۵۵ / ۰۷۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۷۰۱ - ۸۵

قیمت : ۵۵۰۰۰ تومان



انشارات اساطیر

اکسیرالتواریخ

تألیف : علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه

به اهتمام : جمشید کیانفر

چاپ اول : ۱۳۹۵

لیتوگرافی : طیف نگار

چاپ : دیبا

شمارگان : ۵۵۰ نسخه

شابک : ۳ - ۱۷۷ - ۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است .

دفتر مرکزی : میدان فردوسی ، ابتدای ایرانشهر ، ساختمان ۱۰ (پلاک ۸ جدید)

نمایشگاه کتاب اساطیر : کریمخان ، بین ایرانشهر و ماهشهر ، پلاک ۱۲۸

تلفن : ۸۸۸۲۱۴۷۳ - ۸۸۳۰۰۱۴۸ - ۸۸۳۰۱۹۸۵

مذرجات

پیشگفتار

مقدمه

۱

۵

فصل اول اصل و نسب، ایل، قاجار

۱۴

سلطان محمد حسن خان از فتح علی خان شاه قلی خان ابن

محمد ولی خان ابن مهرداد خان

۱۵

ذکر وقایعی که از اول جلوس خردی الدار محمد حسن خان قاجار به صفحه

روزگار آشکار شد تا هنگامی که از دست سید علی نابکار در این دار فرار به

دار قرار، قرار گرفت به تقدیر حضرت پیر کار

۱۸

ذکر رفتن نواب محمد حسن خان به شیراز و رفتن از خان افغان

به تسخیر طبرستان و سایر احوالات آن زمان به تقدیر پادشاه ایران

۲۱

[حسین قلی خان قاجار]

۲۲

ذکر وقایع احوال جهانسوز شاه از بدو عمر تا هنگامی که از دست اعدای

تحریک قاجار مقتول شد به طریق اختصار به تقدیر کردگار

۲۵

فصل دوم [آقا محمد خان قاجار]

۲۸

ذکر احوال قهرمان ایران، آقا محمد خان از بدو عمر تا هنگام شهادت آن

شهریار جهان به تقدیر حضرت کیهان

۳۴

ذکر محاربه شاه بزرگ بالشکر علی مراد خان و مخالفت مرتضی قلی خان ابن

محمد حسن خان وفات علی مراد خان و جلوس جعفر خان و سایر وقایع آن

زمان به تقدیر حضرت سبحان

- ۳۹ ذکر رفتن شاه بزرگ به آذربایجان و در آمدن آن ملک به دست اولیای دولت
فاجار و کشته شدن لطف علی خان و فتح کرمان و سایر فتوحات آن زمان به
تقدیر حضرت کیهان
- ۴۶ ذکر محاربه آن خسرو نصرت مانوس با سپاه روس و تسخیر تفلیس و سایر
احوال آن شهریار خدم برجیس بالتمام به تقدیر الملک العلام
- ۵۵ ذکر وزرای شاه بزرگ
- ۵۶ ذکر شعرای شاه بزرگ
- ۵۶ ملاحسیر مازندرانی
- ۵۷ سروش
- ۵۷ شیدا
- ۵۸ شهاب
- ۵۹ صباحی
- ۶۰ عزت الشمس سلیمان خان فاجار
- ۶۱ فانی لاهیجی
- ۶۱ ذکر عرفانی که معاصر شاه بزرگ بودند
- ۶۱ رضا علیشاه هراتی
- ۶۲ فیض علیشاه
- ۶۲ معصوم علیشاه دکنی
- ۶۲ مظفر علیشاه
- ۶۳ مشتاق علیشاه اصفهانی
- ۶۴ نور علیشاه اصفهانی
- ۶۵ درویش ناصر علیشاه اصفهانی
- ۶۷ فصل سوم سلطنت فتح علیشاه
- ۷۴ گفتار در وقایعی که بعد از خاقان شهید پدید آمد و جلوس میمنت مانوس
خسرو کیکاوس علم سکندرکوس در سال نیکوفال ۱۲۱۲
- ۸۲ گفتار در جلوس میمنت مانوس حضرت اعلی فتح علیشاه در سنه ۱۲۱۲
- ۸۵ ذکر وقایع سال نیکوفال سنه ۱۲۱۳ سال دوم جلوس
- ۸۹ وقایع سال ۱۲۱۴ سال سیم جلوس

- ۹۲ وقایع سال ۱۲۱۵ سال چهارم خسرو سکندر کوس
- ۹۶ گفتار در وقایع سال ۱۲۱۶ سال پنجم سلطنت خسرو با همت
- ۹۸ گفتار در مجملی از عقاید عبدالوهاب و رفتار عبدالعزیز شیخ اعرابی
- ۱۰۱ گفتار در وقایع سال نیکوفال ۱۲۱۷ سال ششم خسرو انجم حشم
- ۱۰۲ گفتار در اتفاقات خیریت علامات ۱۲۱۸ سال هفتم سلطنت
- ۱۰۴ گفتار در وقایع سال همایون فال ۱۲۱۹ سال هشتم سلطنت جلوس
- ۱۰۷ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۰ سال نهم جلوس شهر یاری
- ۱۰۸ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۱ سال دهم جلوس
- ۱۱۱ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۲ سال یازدهم دولت ابد مدت
- ۱۱۴ گفتار در حرکت باب شاهزاده محمدولی میرزا به سوی هرات و محاربه با
فیروز میرزا و قتل صوفی اسلام و سایر وقایع آن ایام
- ۱۱۶ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۱ سال دوازدهم جلوس
- ۱۱۸ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۴ سال سیزدهم سلطنت شهریار
- ۱۲۰ گفتار در وقایع سال نیکوفال ۱۲۲۵ سال چهاردهم جلوس
- ۱۲۲ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۶ سال پانزدهم سلطنت
- ۱۲۴ گفتار در وقایع سال ۱۲۲۷ سال شانزدهم جلوس
- ۱۲۵ گفتار در تحقیق و تصدیق ایام خجسته فرجام سال ۱۲۲۸ سال هفدهم سلطنت
- ۱۲۷ گفتار در شورش اهالی خراسان با نواب محمدعلی میرزا و سرکشی
محمدزمان خان قاجار و گرفتاری آن نابکار
- ۱۲۹ گفتار در کیفیت سال ۱۲۲۹ سال هجدهم حضرت فلک رفعت
- ۱۳۱ گفتار در اتفاقات سال ۱۲۳۰ سال نوزدهم سلطنت
- ۱۳۲ گفتار در وقایع سال نیکوفال ۱۲۳۱ سال بیستم جلوس
- ۱۳۴ گفتار در بیانات و اتفاقات سال ۱۲۳۲ سال بیست و یکم سلطنت
- ۱۳۵ گفتار در وقایع بهجت سال ۱۲۳۳ سال بیست و دویم جلوس
- ۱۳۸ گفتار در وقایع سال ۱۲۳۴ سال بیست و سیم سلطنت
- ۱۳۹ گفتار در وقایع سال ۱۲۳۵ سال بیست و چهارم سلطنت
- ۱۴۱ گفتار در وقایع سال نیکوفال خجسته سال ۱۲۳۶ سال بیست و پنجم سلطنت
- ۱۴۴ گفتار در وقایع سال نیکوفال ۱۲۳۷ سال بیست و ششم جلوس

- گفتار در تحقیق و تصدیق سال خیریت سال ۱۲۳۸ سال بیست و هفتم سلطنت ۱۴۵
- گفتار در ایام خجسته فرجام سال ۱۲۳۹ سال بیست و هشتم جلوس ۱۴۷
- گفتار در اتفاقات سال ۱۲۴۰ سال بیست و نهم سلطنت ۱۴۹
- گفتار در اتفاقات سال ۱۲۴۱ سال سی و ام سلطنت ۱۵۰
- گفتار در احوالات و مجادلات سال ۱۲۴۲ سال سی و یکم سلطنت ۱۵۶
- گفتار در وقایع سال نیکوفال خیریت سال فرخنده سال ۱۲۴۳ ۱۶۰
- سال سی و دوم سلطنت
- گفتار در کیمیت سال ۱۲۴۴ سال سی و سیم شهریاری شهریار ۱۶۲
- گفتار در احوالات سال ۱۲۴۵ سال سی و چهارم جلوس ۱۶۳
- گفتار در اتفاقات و احوالات سال ۱۲۴۷، سال سی و ششم سلطنت ۱۶۷
- گفتار در وقایع و اتفاقات و ارادات و احوالات و کیفیت سال ۱۲۴۸ ۱۶۹
- سال سی و هفتم جلوس
- گفتار در وقایع سال ۱۲۴۹ سال سی و هشتم سلطنت خسرو با همت ۱۷۲
- گفتار در وقایع سال بدفال پر ملال ۱۲۵۰ سال سی و نهم سلطنت و رسیدن آن ۱۷۴
- حضرت به رحمت احدیت
- گفتار در اشعار ابکار و افکار دربار شهریار روزگار خسرو ذوالاقتدار ۱۸۰
- فتح علیشاه قاجار
- در بیان اولاداحفاد خسرو نیکونهاد فتح علیشاه و تفصیل احسان شاهزادگان ۱۸۳
- اعظم و اسامی امیرزادگان معظم
- محمد علی میرزا دولتشاه ۱۸۴
- محمد قلی میرزا ملک آرا ۱۸۷
- محمدولی میرزا ۱۸۹
- عباس میرزا نایب السلطنه ۱۹۱
- حسینعلی میرزا فرمانفرما ۱۹۱
- حسنعلی میرزا شجاع السلطنه ۱۹۲
- محمد تقی میرزا حسام السلطنه ۱۹۴
- علی نقی میرزا رکن الدوله ۱۹۵
- شیخ علی میرزا شیخ الملوک ۱۹۷

۱۹۸	علیشاه ظل السلطان
۲۰۰	عبدالله میرزا
۲۰۱	امام ویردی میرزا سرکشیکچی باشی
۲۰۲	محمد رضا میرزا
۲۰۴	محمود میرزا
۲۰۷	حیدرقلی میرزا
۲۰۸	همایون میرزا
۲۰۹	الله ویردی میرزا
۲۱۱	اسماعیل میرزا
۲۱۲	احمد علی میرزا
۲۱۲	علیرضا میرزا
۲۱۳	کیقباد میرزا
۲۱۴	بهرام میرزا
۲۱۴	شاپور میرزا
۲۱۴	ملک قاسم میرزا
۲۱۵	منوچهر میرزا
۲۱۶	هرمز میرزا
۲۱۶	ملک ایرج میرزا
۲۱۷	کیکاوس میرزا شهاب السلطنه
۲۱۸	شاهقلی میرزا
۲۱۸	محمد مهدی میرزا
۲۱۸	کیخسرو میرزا
۲۱۹	کیومرث میرزا ابوالملوک
۲۲۰	جهانشاه میرزا
۲۲۱	سلیمان میرزا
۲۲۱	فتح الله میرزا شعاع السلطنه
۲۲۲	ملک منصور میرزا
۲۲۳	بهمن میرزا بهاءالدوله

- ۲۲۳ سلطان محمد میرزا سیف الدوله
 ۲۲۴ سلطان سلیم میرزا
 ۲۲۴ سلطان مصطفی میرزا
 ۲۲۵ سلطان ابراهیم میرزا
 ۲۲۵ سیف الله میرزا
 ۲۲۶ یحیی میرزا
 ۲۲۶ محمد امین میرزا
 ۲۲۷ صاحبقران میرزا
 ۲۲۷ فرخ میرزا نیرالدوله
 ۲۲۸ علیقلی میرزا اعتدال السلطانه (مؤلف اکسیرالتواریخ)
 ۲۳۶ سلطان احمد میرزا عبدالدوله
 ۲۳۷ پرویز میرزا
 ۲۳۷ هادی میرزا
 ۲۳۷ کامران میرزا
 ۲۳۸ عباس قلی میرزا
 ۲۳۸ امان الله میرزا
 ۲۳۹ نورالله میرزا
 ۲۳۹ سلطان حسین میرزا
 ۲۳۹ سلطان جلال الدین میرزا
 ۲۳۹ حسین قلی میرزا
 ۲۳۹ اورنگ زیب میرزا
 ۲۴۱ ذکر وزرای حضرت اعلی
 ۲۴۲ میرزا محمدشفیع مازندرانی
 ۲۴۲ حاجی محمدحسین خان اصفهانی
 ۲۴۳ میرزا عبدالوهاب اصفهانی معتمدالدوله
 ۲۴۵ الله یار خان آصف الدوله
 ۲۴۶ عبدالله خان امین الدوله
 ۲۴۷ گفتار در مجلسی از احوال و اشعار شعرای مشهور معاصر شهریار ذوالاقتدار
 فتح علیشاه قاجار

۲۴۷	بنده
۲۴۸	خاوری
۲۴۹	صحاب
۲۵۱	شرر
۲۵۲	ملك الشعرا صبا فتح عليخان كاشي
۲۵۷	طلعت
۲۵۸	ظريف
۲۵۹	مفتون
۲۵۹	مجموعه
۲۷۳	مايل
۲۷۳	واله
۲۷۵	هما
۲۷۹	گفتار در ذكر احوال رفای ناصر خسرو ذوالاستقلال فتح عليشاه قاجار
۲۷۹	ميرزا ابوالقاسم شيرازي
۲۷۹	حسين عليشاه
۲۸۰	رونق عليشاه
۲۸۱	آخوند ملا عبدالصمد همداني
۲۸۱	عليرضا ميرزا (شاهزاده)
۲۸۱	كوثر عليشاه همداني
۲۸۲	آقا محمدابن شاه نظر
۲۸۲	حاجي محمد حسين نائيني
۲۸۳	مجدوب عليشاه
۲۸۴	حاجي ملا محمد اخباري
۲۸۵	حاجي محمد ابراهيم خوئي
۲۸۵	اسامي حكماي معاصر فتح عليشاه
۲۸۶	اسامي علماي مشهور معاصر فتح عليشاه
۲۸۷	فصل چهارم عباس ميرزا نايب السلطنه
۲۸۷	گفتار در وقايع و اتفاقات و واردات و تفصيلات مجادلات شهريار نامدار و

- فریدون فلک اقتدار، افراسیاب صولت، اسفندیار شوکت حضرت
 نایب السلطنه العلیا السلطان عباس شاه
- ۲۹۶ گفتار در حرکت نایب السلطنه السلطان عباس شاه دیگر باره بسمت آذربایجان
 در سنه ۱۲۱۵ و بساط نشاط سور پر سرور آن حضرت
- ۲۹۷ هذه الرسالة حکمت رخصت شراب نواب قمر رکاب نایب السلطنه
- ۳۰۴ گفتار در حرکت نایب السلطنه در سنه ۱۲۱۹ بارسیم به سمت آذربایجان و
 جدال و قتال آن خسرو میمنت مانوس یا روس منحوس
- ۳۰۶ گفتار در مأمور داشتن حضرت نایب السلطنه مهدیقلی خان را به کوچانیدن
 ایلات اروان و مجادلات با اشپخدر و تفصیلات آن ادان
- ۳۰۸ گفتار در اطاعت آوردن امیرالامراء العظام محمدخان ایروانی به حضرت
 سلطانی و جمال روسیه و سایر وقایع
- ۳۰۹ گفتار در اطلاع خسرو بهرام اسلام در چمن سلطانیه از شکست لشکر اسلام و
 گردیدن صفحه آذربایجان بجنب خیم ظفر احتشام
- ۳۱۲ گفتار در مأمور داشتن حضرت علی نایب السلطنه را در سال نیکوفال ۱۲۲۰
 بار دیگر به سمت آذربایجان و مجادلات آن زمان
- ۳۱۵ گفتار در محاربه حضرت نایب السلطنه در سنه ۱۲۲۱ با پولکونیک سردار
 روس در حوالی عسکران و سایر اتفاقات آن سال
- ۳۱۷ گفتار در مأمور شدن حضرت نایب السلطنه از جانب حضرت اعلی به تسخیر
 گنجه و گرجستان و کوچانیدن رعایای گنجه را و سایر حالات و اتفاقات
 آن زمان به تقدیر خداوند جهان
- ۳۱۹ گفتار در شکست شفت یرنال در بادکوبه و حرکت نایب السلطنه به سمت ایران
 و قتل اشپخدر و سایر وقایع آن زمان
- ۳۲۱ گفتار در مأمور شدن بعضی از امرای آذربایجان از حضور نایب السلطنه به
 ایروان و اطمینان مصطفی خان حاکم طالش و سایر وقایع آن زمان
- ۳۲۳ گفتار در اطاعت نمودن ابراهیم خلیل خان جوانشیر شهریار قاجار درین سال
 نیکوفال ۱۲۲۲ و بدین سبب مقتول شدن وی در دست روسیه نابکار و محار
 به نایب السلطنه با آن قوم بدشعار به تعزیر کردگار
- ۳۲۶ گفتار در محاربه روسیه با لشکر اسلام در سرکوچانیدن ایلات قراباغ و توجه
 نایب السلطنه به سمت شیروان و وقایع آن زمان

- ۳۲۹ بیان مراجعت موکب همایون ظفر کوکب السلطان عباس شاه از شیروان و بعضی حرکات و مجادلات روسیه در صفحه آذربایجان و وقایع آن زمان
- ۳۳۲ گفتار در مأمور داشتن حضرت نایب السلطنه بغضی از لشکر را به حرب روسیه و مبالغه گدویج سردار روس در مصالحه و سایر وقایع که در آن اوان شایع شد
- ۳۳۳ گفتار در نقض عهد گدویج در سال ۱۲۲۰ و آمدن او به سرایوان و محاربه نایب السلطنه با روسیه و کیفیت آن زمان
- ۳۳۶ گفتار در یورش آوردن روسیه بر سرایوان و ملاک ایشان در سایر وقایع
- ۳۳۸ گفتار در حرکت نایب السلطنه به سمت گوگجه و گنجه در سال ۱۲۲۴ و سایر وقایع
- ۳۴۱ گفتار در آمدن کوزل برون و یردی از جانب طور مصوف برای اتمام مصالحه و ملاقات میرزا بزرگ نایب الوزاره طور مصوف را برای امر مذکور در این سال ۱۲۲۵ و اتمام ناسن آن و دولشکر در پی محاربه شتافتن گفتار در مأمور شدن فوجی از شاه سستیز آوین روسیه شیخ آویز و گریز آن فرقه نحوست انگیز و سایر وقایع که بعد از خداوند غفور در این سال نیکوفال ۱۲۲۶ به عرصه ظهور آمد
- ۳۴۵ گفتار در اطاعت جعفرقلی آقای جوانشیر و ایل جیلانی را و دولت علیّه و اطلاع سپاه روس و محبوس ساختن جعفرقلی آقا و باها و رثیل لوبه کین پرداختن و بدین سبب حرکت نایب السلطنه به سمت قازان و محاربه سنگر سلطان بود و آنچه به تقدیر حق و دود بعرضه وجود آمد
- ۳۴۸ گفتار در اصرار و مبالغه ردیشجوف سردار تازه سپاه روس در مصالحه و حرکت نایب السلطنه به سمت طالش و تصرف لنکران و ارکوان و استیصال مصطفی خان در این سال نیکوفال ۱۲۲۸
- ۳۵۱ گفتار در گفت و شنید سردار روسیه با حضرت نایب السلطنه در باب مصالحه و انجام نیافتن متارکه و وقایع اصلاندوز و چشم زخمی که به تقدیر حق و دود به لشکر مسعود روی نمود
- ۳۵۴ گفتار در کارزار حسین خان سردار قاجار با روسیه نابکار و شکست آن قوم خیره شمار و حرکت شهریار ذوالاقتدار حضرت اعلی فتح علیشاه به جانب

- آذربایجان و مصالحه دولتین علیتین ایران و روس و آنچه از گردش آبنوس
در این سال نیکوفال سنه ۱۲۲۹ به عرصه ظهور آمد
- ۳۵۷ گفتار در سوء سلوک سرحداران روم با مرزوبوم ایران و اولیای دولت قاهره،
بدرفتاری و لجاج و حرکت رایت نصرت آیت حضرت نایب السلطنه در
این سال نیکوفال ۱۲۳۶ بدان جانب
- ۳۶۱ گفتار در جنگ قلعه سنگ و فتح آن بلد بدون تأمل و درنگ و حرکت نایب
السلطنه به سمت ارزنة الروم و مجادلات آن خسرو با فرهنگ با عساکر
آن در روم
- ۳۶۴ گفتار در وقایع سال نیکوفال ۱۲۳۷ و جدال حضرت نایب السلطنه در توپراق
قلعه با سران روم و شکست آن طایفه به یاری باری و نیروی بازوی
شهریاری
- ۳۶۸ صورت صلح نامه مابین دولتین قاجاریه و عثمانیه
- ۳۷۲ گفتار در وقایع سال نیکوفال ۱۲۶۱ و برهم زدن سرحداران دولت روس
عقد و عهد مصالحه را آمدن آقا سید محمد طباطبائی از کربلای معلی و
کیفیت جهاد و جدال با آن قوم بدبهاد
- ۳۷۶ بیان وقایع سال ۱۲۴۲ عزل مدوف سردار سپاه روس و نصب پستاوویچ حسب
الحکم امپراطور و کیفیت مجادلات لشکراسدم و سکرخانار و فتح پستاوویچ
در جنگ و ستیز و تصرف کردن و یکسر آذربایجان و انیسالی تبریز
- ۳۸۳ گفتار در رفتن نواب امیرزاده خسرو میرزا به سفارت روس و مراجعت وی و
حرکت شجاع السلطنه به سمت یزد در سنه ۱۲۴۵ و استحضار نایب السلطنه
افراشتن رایت حرب بدانجانب و تصرف یزد و کرمان و سایر وقایع آن زمان
به تقدیر ملک منان
- ۳۸۷ گفتار در حرکت نایب السلطنه به جانب خراسان برای دفع معاندین زمان در
این سال ۱۲۴۷ و وزیدن نسیم نصرت بر پرچم رایات ظفر آیات حضرت
عباسی و فتوحات قلعه جات آن جانب و قتل و غارت دشمنان بضرب
تیغ الماسی
- ۳۹۲ گفتار در مراجعت نایب السلطنه از دارالخلافه به مشهد مقدس و قصه ملال
انگیز وفات آن حضرت در این سال بدفال ۱۲۴۹

- گفتار در تعداد اولاد نایب السلطنه مرحوم ۳۹۵
- گفتار در بیان تفصیل احوال و زرای نایب السلطنه ۳۹۵
- فصل پنجم سلطنت محمد شاه قاجار ۳۹۹
- گفتار در بیان از محاسن آداب و اخلاق آن خسرو آفاق ۴۰۲
- گفتار در ذکر بعضی صنایع غریبه و بدایع عجیه ۴۰۷
- صنایعی که در قورخانه مبارکه احداث شده ۴۰۸
- گفتار در وقایع احوال شاهنشاه جهان پناه و خدیو انجم سپاه محمد شاه غازی از زمان ولادت تا رسیدن آن حضرت به تقدیر احدیت به اعلی درجه سلطنت بطریق اجمال و تفصیل وقایع ۴۱۱
- گفتار در تمثیل سروس و بی مثال حضرت اعلی و جلوس نواب ظل السلطان و میر شاهی ایران به تقدیر ملک منان ۴۱۸
- گفتار در استماع حضرت شاهنشاه جهان پناه از وفات حضرت اعلی و جلوس میمنت مانوس خسرو کاوس و لم سکندر کاوس و حرکت به سمت دارالخلافه و تصرف مداین و بلاد تعزیر حضرت رب العباد ۴۲۳
- بیان جلوس میمنت مانوس شاهنشاه جهان پناه مجدداً بر تخت کاوس و عفو جرایم نواب ظل السلطان و رسیدن عریض اداعت شاهزادگان و مأمور داشتن احکام و عساکر نصرت مأثر بر فارس و کتابت امان و سایر اتفاقات به تقدیر حضرت سبحان ۴۲۸
- در ذکر وقایع سال فرخنده مال ۱۲۵۱ هجری مطابق قوی نیل ۴۳۶
- گفتار در مخالفت میرزا ابوالقاسم قائم مقام با خسرو بهرام غلام و بیای آن تیره ایام و سایر انتظام مملکت و تفویض مناصب به حکام و ارباب و زرای دولت به تعذیر حضرت ابدیت ۴۳۷
- گفتار در اتفاقات سال فرخنده فال ۱۲۵۲ مطابق پیچی نیلی سال دوم سلطنت خسرو فلک رفعت و حرکت به سمت گرگان و تنبیه ترکمانان اتک ۴۴۲
- گفتار در وقایع سال ۱۲۵۳ سال سیم جلوس خسرو میمنت مانوس به سمت دار السلطنه هرات جنت آیات و وقایع اتفاقیه ۴۴۵
- گفتار در حرکت موکب منصور از چمن بطام به سمت نیشابور و هرات و تصرف غوریان و محاصره هرات و جدال با فرقه افغان ۴۵۴

در ذکر وقایع ایت ایل موافق سال سعادت اشتمال ۱۲۵۴ سال چهارم جلوس ۴۶۷
گفتار در کیفیت احوال بلده هرات و بعضی اتفاقات در هنگام محاصره آن ۴۷۵

شهر

گفتار در مجملی از احوال و عقاید طایفه انگلیس و نقض عمد آن فرقه ابلیس ۴۹۳
تلبیس با خسرو خدم برجیس و آمدن کشتی های جنگی ایشان به روی دریای
عمان و تصرف جزیره خارکو و اغتشاش مملکت فارس و کرمان و حرکت
شاهنشاه جهان به سمت دارالخلافه و سایر وقایع اتفاقیه به تقدیر ملک منان

بیان فرمان به تحریر خسروگردون مناص برای خواص لباس نظام ۴۹۹

گفتار در فرمان قدر بنایان که شاهنشاه جهان و خسرو جم خدم سلیمان پاسبان ۵۰۱
به خط مبارک به لشکر ظفر نشان تحریر کرده

گفتار در اتفاقات سال فرخنده فال ۱۲۵۵ سال پنجم سلطنت ۵۰۶

بیان حرکت مرکب انجمن، مقربه سفر دارالسلطنه اصفهان و وقایع اتفاقیه به ۵۱۲
تقدیر ملک منان

در ذکر وقایع سیچقان بیل مطابق سال سعادت اشتمال ۱۲۵۶ سال ششم ۵۱۴
سلطنت

گفتار در کیفیت مذهب و عقاید فرقه اسمعیلیان و بیان شورش آقا خان ۵۱۷
محلانی و رفتن به جانب دارالامان کرمان و بعضی وقایع آن زمان

بیان سال خیریت مال ۱۲۵۷ سال هفتم سلطنت و یک روز ۵۲۰

گفتار در فتوحات امیر توپخانه مبارکه و معتمدالدوا الشیخ العالیه دارتحال ۵۲۵
نواب اشرف والا قهرمان میرزا به دار بقا

بهار آرائی سال خجسته فال ۱۲۵۸ که دشت دولت ابد مدت جاریست ۵۳۱

گفتار در تفصیل اولاد شاهنشاه معدلت نهاد ۵۳۵

گفتار در کیفیت احوال خورشید آسمان جلالت و مشتری سپهر سعادت فاضل ۵۳۷
حاجی میرزا آقاسی

گفتار در ذکر بعضی از احوال شعرائی که در عصر خسرو با تمکین قهرمان ۵۴۵
المادوالطین

خاور ۵۴۵

سپهر ۵۴۷

۵۴۹	شهاب
۵۵۲	صاحب
۵۵۵	عشرت
۵۵۶	فرهنگ
۵۵۷	فدا
۵۶۱	فروغی
۵۶۳	فاآنی
۵۷۰	نیاز
۵۷۲	نشاط
۵۷۳	وصال
۵۸۸	هدایت
۵۹۲	یغما
۵۹۵	بیان کیفیت احوال عرسل با تئیین معاصر شاهنشاه زمان و زمین
۵۹۶	حاجی عبدالمحمد
۵۹۷	آقا محمود
۵۹۸	آقا سید محمد صالح کرمانی
۵۹۹	نصرت علیشاه
۵۹۹	سید محمد علی کرمانی
۵۹۹	گفتار در مجملی از احوال عارف کنوز معرفت... میرزا شترعلی حکیم باشی
۶۰۱	میرزا نصرالله صدر الممالک
۶۰۲	اسامی علمای معاصر شاهنشاه جهان پناه
۶۰۳	اسامی حکمای معاصر خسرو مهرافسر
۶۰۵	نمایه عام
۶۶۰	نمایه کتاب

پیشگفتار

بی شک هیچ یک از اعصار تاریخی ایران بقدر تاریخ معاصر مخصوصاً دوره قاجار منابع شناخته شده ندارد از این رو، امر پژوهش در تاریخ معاصر بواسطه وفور منابع و اسناد بسیار آسان است و از طرفی بواسطه عدم انتشار خیل بی شمار این آثار که هنوز بصورت دستنوشته و نسخه خطی و یا اسناد در کتاخانه‌ها و مراکز آرشیوی منحصر هستند و خود مشکلاتی برای پژوهش و پژوهشگر در پیش دارند.

با وجود شناخته شدن منابع مهم عصر قاجار از قبیل «تاریخ محمدی» و «تاریخ ذوالقرنین» و صدها اثر شناخته شده، که توان عملی پژوهشگر را صدچندان می‌کند هنوز منتشر نشده‌اند. از میان این آثار منتشر نشده، کتاب «اکسیر تاریخ» تألیف علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه از فرزندان فاضل فتح علیشاه است. اعتضاد السلطنه از بهرگان فاضل و با فرهنگ قاجاری است که گروهی او را یکی از ارکان کاخ علم و دانش معاصر می‌شناسند و آثار و نوشته‌های بجامانده از او دلیلی بر این دعوی است.

کتاب حاضر بواسطه اهمیت و منحصر بودن نسخه بجا مانده از آن، ضرورت چاپ را لازم می‌نمود، از این روی اقدام به چاپ این اثر نفیس و گرانقدر شد. این اثر گرچه بر سایر آثار هم عصر خود، چون «روضه الصفای ناصری» تألیف رضاقلی خان هدایت یا «ناسخ التواریخ» تألیف سپهر و «منتظم ناصری» اثر نفیس و ارزنده اعتماد السلطنه متقدم تر است، ولی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اعتضاد السلطنه در سنين نوجوانی اقدام به تالیف این اثر ارزنده نمود و عبارتی جلد اول (از کیومرث تا پایان دولت زندیه) را در سنين پانزده سالگی شروع به تالیف کرد و جلد دوم کتاب را در نوزده سالگی نگاشته و به همین دلیل گاهی دچار لغزشهائی در طرفداری و یا جبهه گیری بفلط از شخصیتی می شود مثلاً درباره میرزا ابوالقاسم قائم مقام چهار همین خطا می شود و از او در تمامی کتاب به بدی نام می برد، تا جایی که غرض وزی وی نسبت به قائم مقام بخوبی مشاهده می شود و اعتماد السلطنه در کتاب صدرالتواریخ خود بر این امر متعرض شده و چنین می نگارد:

... شاهزاده علی قلی میرزای اعتضاد السلطنه در «اکسیرالتواریخ»

دشنام خودشان در ذکر قائم مقام خیلی توهین می کند. عبارات زشت و دشنام
حتی در حق او می نگارند که ما از نقل آن انفعال داریم.

از درخ خیلی غرابت دارد که نسبت به مردم لعن و دشنام بنویسد،
خاص مورخ نه شاهزاده باشد و وزارت علوم یافته باشد، با کمال بی غرضی
باید مطلب بنگرد. مریخ امانت و خیانت هرکسی را باید بنگارد و فسق و یا
عبادت ابناء را حق نگارن دارد، اما دشنام دادن به ایشان شأن تاریخ
نگاری نیست و لعن دشنام این گونه مردم، همان سیاست و عقوبتی است که به
کیفر صفات مذمومه خود می برند. مرض شخصی ربطی به تاریخ نویسی ندارد.

اعتماد السلطنه در دنباله نوشته خود علت این مرض و زوی را در کمک قائم مقام به

محمد شاه برای رسیدن به سلطنت می داند و می افزاید:

«... اعتضاد السلطنه فرزند خاقان مغفور به طبعاً و عادتاً میل

داشته اند که بعد از نایب السلطنه عباس میرزا، ولایت عهدیه را به سایر اخوان تعلق
گیرد، چون خاقان مغفور از کثرت میلی که به نایب الیه داشتند، بعد از
حیات ایشان بر حسب وراثت پدری و پسری، خواستند که این امتیاز ولایت
عهد و سلطنت در سلسله ایشان باشد، لهذا شاهنشاه غازی «محمد شاه» را
ولایت عهد دادند و کلیتاً اعمام از این فقره دلنگاری داشتند، چنانکه بعضی ها را
هم به سزا رسانیدند.

میرزا ابوالقاسم قائم مقام پیشکار یا وزیر عباس میرزا بود و در تبریز در تشکیلات
عباس میرزا بسر می برد و بعد از پدر (میرزا بزرگ) عهده دار مشاغل او گردید و به همین
سبب پس از مرگ عباس میرزا جانب محمد شاه را گرفت و پس از فوت فتح علیشاه با توجه به

پیمان ترکمان‌چای و باکمک روسها و انگلیسها زمینه سلطنت محمد شاه را فراهم آورد و اعتماد السلطنه مخالفت مؤلف اکسیرالتواریخ را حمل به «اقتضای طبیعت انسانی که حالت رشک و غیظ دارد» می‌داند، و معتقد است که اعتضاد السلطنه در صدد تلافی برآمده از قائم مقام به بدی یاد می‌کند. (صدر التواریخ ۸-۱۴۶). ذکر این نکته نیز ضروری است که اعتضاد السلطنه کتاب را بدستور محمدشاه نگاشته و بی‌شک میل شاهانه هم در مد نظر مؤلف بوده است و شاید از این روی دربارهٔ قائم مقام زیاده روی کرده است.

از این یک فقره که بگذریم اعتضاد السلطنه کمتر چنین بدگوئی از شخصیتی در اثرش می‌کند. پاس حرمت دیگران را نگاه می‌دارد و بقول اعتماد السلطنه «امانت و خیانت هر کسی را [نگاشته] وفق و با عبادت ایناه زمان را [می‌نگارد]».

شرح حال مؤلف

اعتضاد السلطنه در زندان چهل و هفتم فتح‌علیشاه از گل‌پیرهن خانم که اصلاً از آرامنه تفلیس بود ولی شهرت به گرجی داشت، نامه نوشته خود اعتضاد السلطنه «در تاریخ بیست سوم ربیع الاول سال ۱۲۳۸ مطابق ۲۶ آذر ماه جلای ۷۴۴ برابر تیرماه قدیم ۱۱۹۴ ناقصه یزدگردی دو ساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته به طالع دوازدهم درجه جدی در ارک دارالخلافه طهران از کتم عدم» بوجود آمد (اعتضاد السلطنه، اکسیرالتواریخ ص ۲۲۸). گل‌پیرهن خانم به غیر از علیقلی میرزا فرزندان دیگر ندارد. فتح‌علیشاه به دنیا آورد که از آن میان نورالله میرزا در عنوان جوانی در گذشت، بنوشته ثابت پسر از عروسی خداوند فرزندی بدو عنایت کرد (۱۲۵۱ ق) و او نام اولاد جدید را به برادر از دست رفته‌اش که در جوانی در گذشته بود، نورالله میرزا نهاد (همان ص ۲۳۰).

از میان فرزندان گل‌پیرهن خانم سه تن در این دار فانی سالها زیستند. نخستین مؤلف همین کتاب «اکسیرالتواریخ» یعنی علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، دومین عباسقلی میرزا و سومین خاور سلطان خانم که بعد همسر میرزا نظرعلی حکیم‌باشی شد، (سلطان احمد میرزا عضدالدوله. تاریخ عضدی، بکوشش دکتر عبدالحسین نوائی - تهران: بابک، ۱۳۵۵. ص ۳۶).

۱- اکثر مورخین و مؤلفین او را فرزند پنجاه و چهارم نوشته‌اند (لسان‌الملک سپهر، ناسخ التواریخ، باهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۳۲۴).

گروهی از مؤلفین و نویسندگان، تاریخ ولادت علیقلی را ۱۲۳۴ هـ ق نوشته‌اند (مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران... تهران: زوار، ۱۳۵۷. ج ۲، ص ۴۴۲). و دیگران نیز به پیروی از او همین خطا را تکرار کرده‌اند. دسته دوم تولد او را ۱۲۳۷ هـ ق نوشته‌اند (محبوبی اردکانی. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. - تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷. ج ۲، ص ۱۹). محتملاً منبع اصلی دسته دوم حدیقه الشعراء تالیف سیداحمد دیوان بیگی شیرازی است، زیرا دیوان بیگی ذیل «فخری قاجار» - فخری تخلص علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه بود - ضمن شرح حال او می‌نویسد که در «هنگام فوت خاقان سیزده ساله بود» (دیوان بیگی شیرازی، حدیقه الشعراء؛ تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوائی. - تهران: زرین، ۱۳۶۵. ج ۲، ص ۱۲۹۱). با توجه بدین نکته که سال مرگ «خاقان» یعنی فتح‌علیشاه سال ۱۲۵۰ ق است، می‌توان گفت این خطا از کج‌ناشی شده است، در حالیکه مؤلف نیز معترف است که در زمان فوت پادشاه سیزده سال داشته است. (اکسیرالتواریخ ص ۲۲۸).

دوران کودکی و جوانی اعتضادالسلطنه در ایام سلطنت فتح‌علیشاه و محمد شاه قاجار سپری شده و بنوشته مؤلف نخست، میرزا المر علی حکیم باشی از طرف خاقان به تربیت وی همت گماشت و «مدت هفت سال از این مرحمت و برکت همت آن بزرگوار با اینکه سرفرا و حضراً ملتزم رکاب شهریار ذوالاقتدار بود» بعد از تعلیم ادب و فرهنگ به تحصیل آلات حرب و جنگ پرداختم و نواختن شمشیر و انداختن تفنگ و تیر سنجوق انا و لاغیر افراختم (همان ص ۲۲۹)، پس از آن یک چندی به خواندن کتب تاریخی از جمله دواوین شعرای متقدمین و متأخرین پرداخته و سپس به علم جغرافیا و نجوم. ان شاء الله تعالی به مطالعه تاریخ ایران مایل گشته و در جنگ هرات که همراه محمد شاه بود «به تحریر پشین کتب [تاریخ] مایل» شد. به عبارت دیگر از سال ۱۲۵۳ ق «به تحریر این کتاب [اکسیرالتواریخ] پرداخته و آن را در سال ۱۲۵۸ به پایان رسانده است». اکسیرالتواریخ ص ۲۳۰. از ۱۲۵۱ بسرودن شعر مشغول شد و نخست قریب به «دویست بیت از احوال بوزاسف و بلوهر منظوم» ساخته و سپس «نصف کتاب کلیله و دمنه را به بحر تقارب» به نظم در آورده است و در سن ۱۹ سالگی قریب «هزار بیت غزل و رباعی و قطعه و معما گفته» که در دیوانی «علیحده موسوم به (جواهر منظومه) مندرج است» (همان ص ۲۳۱ و ۲۳۰).

آنچه از فحوای نوشته اعتضادالسلطنه بر می‌آید در دوران حیات پدر و سلطنت برادرزاده‌اش محمد شاه در کار سیاست نبوده است و بیشتر عمر را به تحصیل و شعر و

شاعری می‌گذرانده است. بواسطه مادرش در حرمخانه سلطنتی بوده و در مراسم «جمعه سلام» محمد شاه که مخصوص اعضای حرم بود، همیشه شرکت می‌کرده است و از نزدیک با زنان حرم آشنائی داشته و بخصوص با همسر محمد شاه مهدعلیا (مادر ناصرالدین شاه) نزدیک بوده است. در زمان مرگ محمد شاه ۱۲۶۴ ق که مهدعلیا امور حکومت را تا آمدن فرزندش در دست گرفت، علیقلی میرزا سمت پیشکاری یعنی وزارت او را بر عهده داشت و این نخستین شغل سیاسی او محسوب می‌شود.

علیقلی میرزا در زمان محاصره هرات توسط محمد شاه در اردوی محمد شاه بود و از جانب او نامه به تالیف اکسیرالتواریخ می‌شود.

پس از رسیدن ناصرالدین شاه به تهران و واگذاری صدارت به میرزا تقی خان امیرکبیر در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در سلك مخالفین سیاست شاه قرار گرفت؛ زیرا تمامی نزدیکان علیقلی میرزا در مخالفین صدارت امیرکبیر بودند، از جمله خود مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه و از طرف میرزا علی حکیم باشی شوهر خواهر علیقلی میرزا یعنی خاورسلطان بود نیز با امیر میانه خویشند و همه عوامل دست بدست هم داده و او را در جبهه مخالف امیرکبیر یعنی میرزا اتابک خان نویی مهدعلیا قرار داد.

در دوران صدارت امیرکبیر، اعتضاد السلطنه، غالب اوقات خود را با شعرا و اهل علم و ادب بسر می‌برد و شعرائی چون قاتانی، شعری، محرم، تقی از نزدیکان او بودند و شاهزاده غالباً با ایشان «محفلی انسی» داشت که با حضور این جماعت به نواز و ساز و آواز و انشاد اشعار می‌گذشت. از جمله مصاحبین دیگر او میرزا احمد بابا کاشانی و میرزا عبدالرحیم هروی بود که هر دو متهم به بایبگری بودند. بدنبال «این معاشرت» اعتضاد السلطنه به طرفداری از باب و بایبه متهم شد» (محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تهران، بدید ۲۲/۲) چون طایفه بایبه در صدد سوء قصد به امیرکبیر و ناصرالدین شاه بودند در نتیجه امیرکبیر «محرمانه حرکات و معاشرت‌های او را تحت نظر داشت و هیچ وقت از جانب او غافل نمی‌نشت» (همان ۲۲/۲) و اعتضاد السلطنه خود در این باره می‌نویسد:

روزی چهار ساعت به غروب مانده رقعته‌ای از میرزاتقی خان امیرنظام که در آن وقت امارت نظام و صدارت ایران را داشت و ملقب به اتابک اعظم بوده... مضمون رقعته آنکه «دو ساعت به غروب مانده اگر مجالی دارید در دیوانخانه دولتی یا در خانه مرا ملاقات کنید که امری بس لازم است» من هم

وقت معین کرده در دیوانخانه دولتی امیر را ملاقات نموده، جمعی را که در کنارش بودند دور کرده دست به جیب نموده رقعهای در آورده به من داد. در آن رقعہ مفتشی از قبل وی نوشته بود که روز جمعه آینده بایها خیال دارند به هیئت اجتماع با شمشیر کشیده به مسجد شاه بریزند و میرزا ابوالقاسم امام جمعه را بقتل آورده، پس از آن با ذکر صاحب الزمان به ارک بریزند و فسادى بر پا نموده نسبت به شاهنشاه و اتابک اعظم سوء ادبی کنند و از جمله رؤسای این طایفه ملا شیخ علی است... پس از خواندن آن روزنامه به فکر فروشدم. امیرنظام مرا مخاطب ساخته گفت: شخص شما علاوه بر انتساب به سلطنت امروزیکی از رجال هستید، گرفتار اعتقاد شما فسادى باشد ولی باید ملاحظه دولت را بر هر چیز مقدم دارید» (یادگار، سال دوم، ش ۱، ص ۶۰، ۶۱)

اعتضاد السلطنه در صدد دواغ از خود بر می آید و می گوید «... اما ملا شیخ علی به ذات پاک احدیت که نه او را می شناسم و نه می دانم مقصود او چیست» (همان ص ۶۲) و آنگاه می افزاید «چون کلام به پایان آمد به مرسلات نگر نیست به قول عرب نظراتی بنظره گفت» خوب جواب نگفتید این مفتش و گمان من دواغ نمی گوید و سخنی نسنجیده نمی نگارد. من با همه اختصاص و ملاحظه از مهدعلیا این سخن امیرزا احمد حکیم باشی کاشی، میرزا عبدالرحیم هروی و ملا شیخ علی آرا از شما خواهم خواست» (همان ص ۶۲).

بهر صورت اعتضاد السلطنه ناگزیر به جستجو و دستگیری آنان بر آمدگر چه موفق به دستگیری ملا شیخ علی نشد ولی محمدحسین از خلفای او را گرفت. همراه میرزا عبدالرحیم و میرزا احمد حکیم باشی تسلیم امیر نمود. بر اثر تدابیر امیر سوء قصد از میان رفت تا اینکه در سال ۱۲۶۸ بایه به جان ناصرالدین شاه سوء قصد کردند و علیقلی میرزا بعد از ناگزیر کتابی درباره بایه نوشت و بدان وسیله خود را از اتهام بایی بودن مبرا دانست.

علیقلی میرزا پس از عزل و قتل امیرکبیر دیری نپائید که صاحب مشاغل متعددی شده نخست در سال ۱۲۷۲ ملقب به اعتضاد السلطنه و کمی پس از آن ریاست مدرسه دارالفنون را به او واگذارند و در ۱۲۷۵ ملقب به وزیر علوم شد و در همین ایام تعداد قابل معتناهی از فارغ التحصیلان دارالفنون را جهت ادامه تحصیل به فرانسه فرستاد. بتدریج مشاغل اعتضاد السلطنه متعدد گشت چنانکه در سال ۱۲۸۲ وزارت علوم، صنایع، تجارت، ریاست مدرسه دارالفنون، ادراه تلگرافخانه و ریاست مدرسه روزنامه های دولتی و علمی، چاپخانه های دارالخلافه

و ولایات و کارخانه‌ها، حکومت ملایر و توسیرکان همه در عهده او بود و تمام این مشاغل را کم و بیش داشت تا آنکه در شب عاشورا ۱۲۹۸ در تهران در سن ۶۴ سالگی وفات یافت و در یکی از هجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم مدفون شد.

سال شمار زندگی علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه

۲۳ ربیع الاول علیقلی میرزا بدینا آمد	۱۲۳۸ ق / ۱۸۲۳ م
پس از مرگ محمدشاه، مهدعلیا همسر او تا آمدن فرزندش ناصرالدین میرزا زمام حکومت را بدست گرفت و شاهزاده علیقلی میرزا را به وزارت خود برگزید.	۱۲۶۴ ق / ۱۸۴۸ م
ملتزم رکاب ناصری در سفر به اصفهان	۱۲۶۷ / ۱۸۵۱ م
در وقت یک قطعه گل کمر مکمل به الماس	۱۲۷۱ / ۱۸۵۴ م
در ماه ربیع الثانی ملقب به اعتضاد السلطنه و مخلف به یک ثوب قبلم، توبه تر پوش گردید.	۱۲۷۲ / ۱۸۵۵ م
ریاست کل - رسته دارالفنون در ماه جمادی الاولی بدو واگذار و به علت بیماری سرافراز گردید.	۱۲۷۴ / ۱۸۵۷ م
یک رشته سیم تلگراف از وزارت سلطنتی به باغ لاله‌زار زیر نظر اعتضاد السلطنه کشیده شد و کاران او کرشیش و میرزا زکی مازندرانی بودند).	
کشیدن سیم تلگراف از تهران به عمارت سلطانی و از آنجا تا تبریز به مباشرت اعتضاد السلطنه	۱۲۷۵ / ۱۸۵۸ م
به پاداش کشیدن سیم تلگراف تا سلطانیه به دریافت یک قطعه نشان تمثال همایون [ناصری] مکمل به الماس و یک هزار تومان انعام سرافراز گردید.	
به منصب و لقب وزارت علوم منصوب و ملقب شد.	
عضویت مجلس شورای دولتی برقرار شد.	۱۲۷۶ / ۱۸۵۹ م
در ازای کشیدن سیم تلگراف از سلطانیه به تبریز یک ثوب	۱۲۷۷ / ۱۸۶۰ م

خرقه زری تن پوش شاهي و يك قبضه قمه مرصع دریافت داشت. وزارت تجارت و صنایع و معادن، علاوه بر وزارت علوم و سایر مشاغل (اختیار مدرسه‌های نظام، ریاست تلگرافخانه ناصری) بدو تعویض شد.

۱۸۶۱ / ۱۲۷۸

در نهم ربیع الثانی از شاگردان دارالفنون امتحان بعمل آمده، نظر به رونق و ترقی کامل مدرسه، اعتضاد السلطنه یک قطعه نشان از مرتبه امیر تومانی با یک رشته حمایل مخصوص آن از داخل نظام و یک هزار تومان دریافت کرد.

۱۸۶۲ / ۱۲۷۹

ولایات ملایر و تویسرکان به اعتضاد السلطنه واگذار و مالیات آن، اختصاص به مخارج و مصارف دارالفنون یافت

دریافت یک حلقه انگشتری الماس بسیار عالی
دریافت یک قطعه گل کمر مرصع به پاداش خط تلگراف از
دارالخلافه تاجیکان

۱۸۶۵ / ۱۲۸۲

دریافت یک قبضه شیر مرصع

۱۸۶۶ / ۱۲۸۳

وزارت علوم، صنایع، تجارت و معادن، ریاست کل مدرسه دارالفنون و تلگرافخانه، برنامه دولتی و علمی، ریاست باسمة خانه‌های دارالخلافه، ولایات، کارخانه‌جات و حکومت ملایر و تویسرکان مفوض به علیقلی میرزا شد.

کشیدن یک رشته سیم دیگر از سر - بونهرالی سرحد جلغا به منظور بر طرف شدن نیاز بیشتر مخابرات مگانی توسط علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه. فوجی مرکب از دوست و پنجاه نفر از ملایر گرفته به ذوالفقارخان سرهنگ سپرد تا آنها را مشق دهد.

توسط اعتضاد السلطنه سیم تلگراف دولت ایران با سیم تلگراف دولت روس و انگلیس اتصال یافت.

۱۸۶۸ / ۱۲۸۵

بر حسب استدعای اعتضاد السلطنه، شاهزاده محمد امین میرزا به نیابت حکومت ملایر و تویسرکان منصوب شد.

۱۸۶/۱۲۸۶

از طرف ناصرالدین شاه، اعتضاد السلطنه به یک توپ سرداری
شمه مرصع سرافراز شد. در سفر گیلان از جمله ملتزمین رکاب
ناصرالدین شاه بود.

۱۸۷۰/۱۲۸۷

نقشه اراضی شهر دارالخلافه ناصری راجعفرقلی خان رئیس
مدرسه مبارکه دارالفنون و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم
ریاضی با بیست نفر مهندس کشیده به توسط اعتضاد السلطنه
وزیر علوم به حضور ناصرالدین شاه برده، به سه هزار تومان
انعام سرافراز شدند. اعتضاد السلطنه وزیر علوم به یک قطعه
نشان امپروانی مکمل به الماس با حمایل آن درجه اختصاص
یافتند.

۱۸۷۱/۱۲۸۸

عضویت در دارالشورای کبری.
از امتحان از متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون ...
اعتضاد السلطنه وزیر را یک قطع گل کمر الماس و جعفرقلی
خان رئیس مدرسه را نشان و حمایل سرتپی اول...

۱۸۷۲/۱۲۸۹

حکومت در مجرد و توابع به عهده اعتضاد السلطنه وزیر علوم
مرحمت شد.

۱۸۷۳/۱۲۹۰

ملتزم رکاب ناصری در سفر اروپا
عضویت در مجلس دربار پس از بازگشت از سفر اروپا روز
۱۸ شعبان مرکب معلی تشریف از مای مدرسه مبارکه
دارالفنون و مریض خانه دولتی شد. وضع و انتظام این دو
دایره جلیله پسند خاطر مبارک افتاد، بواب اعتضاد السلطنه
وزیر علوم رابه یک توپ سرداری ملبوس مبارک مفتخر
فرمودند

۱۸۷۴/۱۲۹۱

تشکیل شورای وزرای سته و عضویت اعتضاد السلطنه وزیر
علوم در شورای وزرای سته.
رسم تنظیمات حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرای آن
بر عهده نواب اعتضاد السلطنه موکول آمد.

- ۱۸۷۶ / ۱۲۹۳ مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزرا برقرار و اعتضاد السلطنه وزیر علوم نیز به عضویت مجلس تحقیق انتخاب شد.
- وزارت معادن ممالک محروسه را مجدداً بر عهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول شد.
- ۱۸۷۷ / ۱۲۹۴ مجلس بررسی تحقیق اشیاء معدنی و فلزات به ریاست اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دایر و برقرار گردید.
- ۱۸۷۸ / ۱۲۹۵ اداره امور بنائی دارالخلافه باهره و سایر ممالک محروسه را بر عهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول فرمودند.
- در این سال عمده مشاغل وزیر علوم، معادن و احکام دیوانخانه عداً به عظمی نیز موکول به صحنه و صوابدید ایشان [اعتضاد السلطنه] است.
- ۱۸۸۰ / ۱۲۹۷ پس از فراغت از امتحان دارالفنون، روز چهاردهم جمادی الاول ۱۲۹۷، سلام عادی در دارالفنون منعقد و ... اعتضاد السلطنه را به اعطای یک ثوب سرداری ترمه و شمه مرصع و یک هزار تومان منقش مباحی فرمودند...
- به موجب دستخط همایون خطاب به نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم در باب آبله کوبی خطاب به تمام ممالک محروسه غدغن و تاکید اکید شد.
- ۱۸۸۱ / ۱۲۹۸ شب غره محرم نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم شب عاشورا به رحمت الهی پیوست و ریاست مدرسه مبارکه دارالفنون دولتی و مریض خانه را به جناب مخبرالدوله علیقلی خان وزیر کل تلگرافخانه های ممالک محروسه واگذار شد [و] مجلس تألیف کتاب نامه دانشوران ناصری را به مراقبت مؤلف [محمد حسن خان اعتماد السلطنه] مقوض داشتند.

آثار اعتضاد السلطنه

نوشته‌های بجامانده از اعتضاد السلطنه جملگی احاطه او را به تاریخ، هیت، نجوم، زبان عربی و فقه بخوبی نشان می‌دهند، اعتضاد السلطنه شعر می‌سرود و تخلص فحری داشته و مجالس ادبی با شعرای زمان خود مانند قآنی، میرزا طاهر شعری و میرزا عبدالوهاب محرم و غیره داشته است. آثار بجامانده از او فراوان است و اندکی نیز بچاپ رسیده و از این قرار است.

۱. اکسیرالتواریخ تألیف ۱۲۵۳ - ۱۲۵۹ مدت شش سال

۲. وقایع و سوانح افغانستان تألیف ۱۲۷۳ (یکبار بصورت چاپ سنگی و بار دوم بتصحیح هاشم محبت توسط انتشارات امیرکبیر)

۳. ترجمه و شرح آثار الباقیه عن القرون الخالیه که نخستین بار در پایان کتاب سوانح افغانستان بدان اشاره می‌شود (در سال ۱۳۵۲ بکوشش دانا سرشت بچاپ سپرده شد).

۴. تاریخ مراغه و تاریخ رصدخانه آن تألیف ۱۲۷۶ ق (حاوی مطالب مفصلی درباره تاریخ رصدخانه مراغه و هم چنین سوابق زیج‌های متعددی که تا زمان مؤلف بدست مسلمین نوشته شده‌اند).

۵. تفصیل عیون الاخبار الرضا تألیف ۱۲۷۷ و در شهر زنجان تألیف کرده است.

۶. فلك السعادة تألیف ۱۲۷۷ که در ۱۲۷۸ بچاپ رسیده است (کتابی است در احوال منجمین)

۷. همکاری در تألیف جلد اول نامه دانشوران تألیف ۱۲۶۶ که با همکاری چهار نفر از

فضلای آن عصر یعنی میرزا حسن طالقانی، حاجی میرزا ابوالفضل ساهمی، عبدالوهاب قزوینی و آقا شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی تألیف و بسال ۱۲۹۶ بچاپ رسید.

۸. المتنبین تألیف ۱۲۹۵ کتابی است در بیان ظهور بایه تا حادثه یکشنبه ۱۸ شوال

۱۲۶۸ یعنی سوء قصد بایه به جان ناصرالدین شاه را در بر دارد. این کتاب را اعتضاد السلطنه بعنوان تبرئه خود از اتهام به طرفداری از باب و بایه نگاشته است. (تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی چاپ انتشارات بابک)

۹. شرح حال امامزادگان شهر ری ۱۲۹۶ (شامل شرح حال امامزاده حضرت

عبدالعظیم، امامزاده عبدالله، امامزاده حمزه، در این رساله اعتضاد السلطنه از طرز ساختمان و سبک معماری مقبره‌ها مطالب جالب توجهی نقل می‌کند).

اعتضاد السلطنه رسائل متعددی نیز دارد که تعدادی از این رسائل در دو مجموعه یکی در کتابخانه ملی ایران و دیگری در کتابخانه مجلس شورای ملی است. این رسایل بشرح زیر است:

۱. سؤال و جواب با حاجی محمد کریم خان شیخی (کتابخانه ملی)
 ۲. رساله‌ای است که اعتضاد السلطنه از گفتگوی خود با امیر نظام گروسی در قریه حصار بوعلی درباره ایران و وضع این مملکت تألیف کرده است. (کتابخانه ملی)
 ۳. رساله در احادیث نبوی و اسامی قمر
 ۴. رساله‌ای در اوقاف و وقف‌های لازم در قرآن / رساله فی الاوقاف اللازمه (کتابخانه ملی و مجلس)
 ۵. فصولی در علوم شرقیه از قبیل: بحث در طریق تعیین انحراف بلاد، اختراع بالن، علت حدوث رنگین کمان، مسائل علمی جدید (کتابخانه مجلس)
 ۶. منظومه مثنوی بر وزن یلی، سجنون (کتابخانه مجلس)
 ۷. رساله در علم موسیقی (کتابخانه مجلس)
 ۸. اشعار و غزلیات (کتابخانه مجلس)
- اعتضاد السلطنه اضافه بر کتب و رسائل ذکر شده منشأ چند اثر فرهنگی دیگری نیز بوده که از آن میان چندین رساله را در قسمت شرح حال خود به همین کتاب ضبط کرده و هم چنین در ایام وزارت علوم و ایامی که امور چاپخانه‌ها و روزنامه‌ها را بر عهده داشت (۱۲۷۸-۱۲۸۸) سپرده اوست چندین روزنامه زیر نظر او و بعضاً توسط خود او منتشر شده است:
۱. روزنامه ملت علیه ایران ۲ شماره
 ۲. روزنامه ملت سنیه ایران ۲ شماره
 ۳. روزنامه ملتی ۳۴ شماره
 ۴. روزنامه علمیه دولت علیه ایران ۵۳ شماره (به سه زبان: فارسی، عربی، فرانسه)

سخنی درباره اکسیرالتواریخ

اکسیرالتواریخ کتابی در دو جلد که جلد نخستین آن از کیومرث شروع و به پایان دولت زندیان خاتمه می‌یابد و جلد دوم در حقیقت متن اصلی کتاب است از اصل و نسب قاجارها شروع و پس از آن به تشکیل دولت قاجار توسط آقامحمدخان و تاریخ سیاسی او همراه با

دانشمندان و علما و شعرای عصر آقا محمدخان و بدین منوال شرح سلطنت فتحعلی شاه و اقدامات عباس میرزا و محمد شاه می پردازد، که فقط هشت سال از سلطنت محمد شاه را در بر دارد، در حالی که اعتضاد السلطنه تا سال ۱۲۹۸ هـ ق زنده بود؛ ولی هیچگاه به انجام آن نمی پردازد.

مؤلف کتاب علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه در این باره می نویسد:

چون هنرهای دیگر موجب حرمان نشود... و این کتاب فضیلت انتساب که بین کتب تواریخ الحق اکسیرست نایاب موسوم است به اکسیرالتواریخ و مشتمل بر دو جلد. جلد اول در بیان احوال کیومرث است بطریق اجمال الی آخر دولت زنده. و جلد دوم در تفصیل احوال سلاطین قاجار. و از حضرت کردگار توفیق اتمام مسئلت می نمایم.

مؤلف در سبب تألیف کتاب در مقدمه اش می نویسد:

...مؤلف این اوراق علیقلی ابن خسرو آفاق فتحعلی شاه قاجار چنین گوید: که این حقیر را نظر به اینکه در کتب اخبار و این علم بهجت آثار تبعی حاصل - عمل به د، ملک عادل خسرو و باذل دریا دل، شاهنشاه جهان پناه در هنگام تهخیر مراد جنت آیات که مؤلف نیز از ملتزمان رکاب ظفر انتساب بود به تألیف کنونی مشتمل بر احوال سلاطین زمان از کیامرث الی شاهنشاه جهان بطریق قتل و دل مایا گردید و مؤلف را از میان چاکران و از سلك بندگان برگزید. حسب المقرر سر و کیا، مقر در سال ۱۲۵۳ در ماه صفر از بی تألیف این دفتر قلمی برداشتم و عزمی است (شعر)

عشقی می روزم و امید که این فن شریف

چون هنرهای دیگر موجب حرمان نشود

محمد شاه قاجار پس از سرکوبی مخالفین خود در داخل ایران که مدتی به دو سال طول کشید، آنگاه برای حمله به هرات تدارک لشکر دید و بنال ۱۲۵۳ برای تسخیر هرات حرکت کرد. گرچه در این حمله موفق نبود و نتوانست پس از دو سال محاصره و گلوله باران شهر هرات، آنرا به تسخیر در آورد، در ضمن محاصره اقدامات فرهنگی قابل ملاحظه ای بانجام رساند؛ زیرا به تعدادی از همراهان خود از جمله میرزا رضای مهندس باشی دستور داد که تاریخ ناپلئون را ترجمه کند و هم چنین در مدت محاصره هرات میرزا رضا بدستور شاه و وزیرش حاج میرزا آقاسی دو کتاب دیگر در زمینه جنگی ترجمه و تألیف کرد که اولی صواعق النظام و دومی رساله فشنگ بود و به علیقلی میرزا نیز دستور داد که کتابی در تاریخ ایران تألیف کند

که ما حاصل آن همین اکسیرالتواریخ است. علیقلی میرزا مدت پنج سال برای تالیف این اثر ارزنده وقت صرف کرد وقایع تاریخ ایران را از کیومرث تا پایان سال ۱۲۵۷ نگاشت و خلاصه‌ای از وقایع سال ۱۲۵۸ را به آن الحاق کرد. این قبیل اقدامات محمدشاه در محاصره هرات و یا بعد از آن کمتر مورد توجه قرار گرفته و جا دارد که توجه بیشتری بدان شود و متأسفانه مورخین اصلاً تاکنون توجهی نشان نداده‌اند!

نسخه اساس طبع

از کتاب اکسیر التواریخ دو نسخه یافت می‌شود که نخستین آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و ده می در کتابخانه عارف حکمة مدینه است. که به شماره ۴۹۳ در ۴۵۰ برگ و در نشریه نسخه‌های خطی دفتر پنجم ص ۴۷۳ بشرح ذیل معرفی شده است.

نسخه اساس طبع نگاشته شده آن موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که قبل از آن به کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران تعلق داشته و زمانی که کلیه نسخ خطی کتابخانه‌های دانشکده‌های دانشگاه تهران را در کتابخانه مرکزی جمع آوری کردند این نسخه نیز به کتابخانه مرکزی دانشگاه منتقل شد.

بنوشته مجله یادگار (سال دوم. شماره اول. ص ۵۷) نسخه‌ای از کتاب اکسیرالتواریخ در کتابخانه آقای حکیمی (حکیم الملک) موجود بود که به خط همین نسخه اساس طبع یا نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه تهران است. بهر صورت فهرست نگاران نسخه دانشگاه تهران را چنین معرفی کرده‌اند (فهرست کتابخانه دانشکده حقوق ص ۹۹).

اکسیر التواریخ در دو جلد: نخستین از کیومرث تا پایان ده اول زندیه به اجمال. دوم در تاریخ پادشاهان قاجار است و تا حوادث ۱۲۵۸ به پایان می‌رسد. سرگذشت دانشمندان زمان و شعر او تألیفات و اشعار آنها را هم دارد. فهرست مطالب و نام مؤلف در کتاب و در ذیباچه دیده می‌شود و آنگاه کتابشناسی نسخه را بدین شرح ادامه می‌دهند:

خط نستعلیق نصرالله تفرشی در تاریخ پایان صفر ۱۲۵۹، عنوان و نشان شنگرف، صفحات در دو جدول زر و لاجورد و شنگرف، دو صفحه نخستین حاشیه سازی شده به زر و گل و بوته سرخ و آبی با سر لوح آراسته به زر و لاجورد و شنگرف. کاغذ فرنگی آهار مهره. جلد روغنی آراسته با گل و بوته

رنگارنگ در درون و بیرون، زمینه بیرون سبز و زمینه درون سرخ. ۳۲۶ برگ

۲۰ مطری. آغاز نسخه:

افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال

به ثنای ملک الملک خدای متعال

ذکر این نکته ضروری است که چاپ حاضر فقط متن جلد دوم اکسیرالتواریخ است و به دلیل اختصار و اجمال جلد اول از چاپ آن صرف نظر شد و به لحاظ اهمیت جلد دوم که تاریخ مفصل قاجار از آغاز دولت قاجار تا پایان سال ۱۲۵۸ را در بر دارد اقدام به چاپ آن شد. امید که مورد قبول واقع افتد و از خطا و لغزشهای که در تصحیح رخ داده پوزش طلبیده و توقع یاری و نکته سنجی استادان و بزرگواران پژوهشگر را دارد.

سپاس.

اگر همت عزیزانی که رایاری کردند، نمی بود امر چاپ کتاب اکسیرالتواریخ هرگز به پایان نمی رسید. نخست از دکتر خانم مهرانگیز استخری سپاسگزارم که متن را با دقت و وسواس خاص به کمک نگارنده از نو کپی کردند و از همسر مهربانم پروین استخری تشکر می کنم که اگر مساعدت های او در تصحیح و زبانه خوانی نمی بود و هم چنین در تهیه نمایه عام رایاری نمی دادند امر چاپ بعهدہ تعویق می افتاد.

جمشیدکیان فر

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

و به نشی

باز شدم که خاموشم و هر آنکه
غیرت بحر و رشک کان دامن دفتر آورم
و از پی مغز خاکبان سر که مگر آنای
گر نه بخود روند از آن نغمه دیگر آورم
(نظم)

خدا یا جهان پادشاهی توست
ز ما خدمت آید خدایی توست
بعد از حمد و باری و ثنای کردگاری
فلک تختگاه باعث ایجاد ام نکتہ دان انا افصح العرب و العجم آنکه (نظم)
گوش جهان حلقه کش میم اوست
خدا در جهان حلقه تسلیم اوست
خواجہ مساح و مسیحش غلام
آنت بشارت میسر بنام^۱
همچو الفاراست بعهده و وفا
اول و آخر رسیده بفرانیاء
یعنی محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه (بیت)

ما خود که ایم تا ز ثنای تو دم زنیم

در معرض لولاک و الضحی و برامیر البره و قاتل الکفره و قاصع الفجره زوج
البتول و ابن عم الرسول اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب که حدیث انا و علی من نور
واحد در وصفش دلیلی است که کافی و انا مدینة العلم و علی بابها برهانی است شافی
(شعر)

۱. متن: خواجہ مسلح او مسیحش غلام آنت بشعرانت میسر بنام

که من شهر علمم علیم دراست درست این سخن قول پیغمبر است
گواهی دهم کین سخن راز اوست نو گوئی دو گوشم بر آواز اوست
و دیگر بر یازده فرزند آن حضرت باد. بعد از حمد و دورود (لمؤلفه)

عنوان کنم این نامه به مدح شه ایران ناعیرت دیباج شود هر ورق آن
یعنی آفتاب جهان تاب کشورگشائی و بدر منیر گیتی آرائی حضرت جمجاه فلک
بارگاه شاهنشاهی جهان پناه محمد شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه [و]؟ افاض علی
العالمین بره و عدله و احسانه (نظم)

سزاول آن شاه با عدل و داد چه گویم خدایش نگهدار باد
در عهد جهانبانی آن برازنده افسر کیانی، دزدان یر کاروان منصب دیده بانی دارند و
گرگان در رومه بسبب چپانی (بیت)

جهان را خدمت امر آن چنان داد که تیغ از نشک عربانی شد آزاد
ز عدلش جان مظالم آن سرچرگاه فراموش کرده تیراندازی آه
اما بعد از ذکر مجالی از اسرار سیزده طبقه سلاطین سبق، اینک عنان خامه را به
تفصیل احوال قاجار منعطف خوانم نموده. (بیت)

گویی که کجا رفتند آن تاجوران، یسیر زایشان شکم خاکست آبستن جاویدان
اگر چه به تفصیل احوال این ایل جلیا چندین محلدات پرداختند و کلمات مرغوب
مانند گل و لاله در او کشته اند، این حقیر اگر وصف صفت سخن راند مانند خار در
جنب گل است و جزء در پیش گل، اما (فرد)

فیض روح القدس او باز مدد فرماید دیگران هم یکسره آنچه مسیحا می کرد
خلاصه کلام (فرد)

سرگذشت عهد گل را از نظیری بشنوید عندلیب آشفته نردبان گوید این افسانه را
(العریبه)

استمع ماذا يقول العندليب

طبقه چهارم که در ایران علم شاهی افراختند و روی خاک را از لوث وجود اشرار
ناپاک، پاک نمودند و اهل ایران از خرد^۱ و کلان در عهد ایشان از صهبای امنیت

طریناک بودند قاجار می‌باشند. بر رأی چمن پیرای ریاض اخبار و بر ضمیر نصارت بخش گلشن آثار پوشیده نماند که مراد از تألیف این رساله و تحریر این مقاله آن است که احوال ملوک نیکو سلوک قاجار را آنچه وقایع نگاران این روزگار در کتب اخبار نوشته‌اند و دیده شد، بی آنکه در مطلب تغییری رود یا حرفی اضافه شود سمت نگارش پذیرد. چون هر کلامی که آغاز شود ناچار باید به ذکر مقدمه‌وی پرداخت تا بر خوانندگان آشکار شود که اول او کیست و آخر او چیست؟ از این جهت اولی در این دفتر ذکر سلاطین سبق شد، مجملی از احوال ایشان ز دهقان دور گفته باستان در بیان آمد هذا کتابتا ینطق علیکم بالصالح.